

گنبد حرم مطهر امام رضا (ع)

رجبعلی لباف خابکی*

چکیده

روضه یا مدفن امام رضا (ع)، هسته اولیه حرم مطهر رضوی، همواره مورد توجه و توسل خاص شیفتگان و به تبع متولیان و معماران و هنرمندان بوده است. قداست و کارکرد آن مکان معنوی ایجاب کرده که ضمن مراقبت از آن، سعی شود بهترین و والاترین جایگاه و شرایط را به لحاظ موقعیت، ایستایی و تزیینات داشته باشد. بنابراین در طول زمان بناهای جانبی مرتبط با آن گسترش یافته، استحکام آن تأمین شده و در زینت بخشی آن متناسب با شرایط زمان اقدام کافی و وافی صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد که ملاحظه جایگاه آن در مجموعه از اولویت خاص برخوردار بوده و با ارتفاع گنبد فراز مرفد امام (ع) آن مقصود حاصل و روضه مطهر در میان بناهای پیرامونی برجسته شده است.

امتیاز و اشراف گنبد زمانی ضرورت یافته که ساخت بناهای دیگر در مجاورت حرم مطهر آغاز شده و ارتفاع برخی از آن‌ها مثل گنبد و ایوان‌های مسجد گوهرشاد و گنبد دارالسیاده بر بلندای حرم پیشی گرفته و از شأن و منزلت حرم مطهر کاسته است. از زمانی که گنبد مرتفع دوپوشه‌ای بر فراز روضه مطهر ساخته شده، گنبد نماد مجموعه معماری آستان قدس رضوی و نقطه عطف و توجه شیفتگان و مؤمنان گردیده و روز به روز بر شکوه و جلال آن افزوده شده است. چگونگی تغییر شکل قطعی گنبد حرم مطهر با اینکه بسیار اهمیت داشته، به دلایل نامشخص در تاریخ آستان قدس رضوی ناگفته و نانوشته مانده است. در این مقاله کوشش خواهد شد ضمن مروری بر سیر تحول گنبد و حرم مطهر، زمان و چرایی شکل‌گیری گنبد مطهر به فرم کنونی آن بیان شود.

واژگان کلیدی: حرم امام رضا (ع)، گنبد طلا، آستان قدس رضوی.

* باستان‌شناس، مدیرکل اسبق میراث فرهنگی و گردشگری خراسان رضوی.
rajablabbaf@yahoo.com



مقدمه: سیر تکاملی گنبد

در ایران بنا به اقتضای طبیعت و آب و هوا از گذشته‌های دور، برای فضاهای معماری از دو نوع پوشش چوبی و طاق استفاده شده و سیستم استفاده از طاق بیشتر در معماری دوران اسلامی ایران تداوم یافته که رایج‌ترین سازه این نوع پوشش گنبد است (آندره گدار، ۱۳۶۹: ۵).

پوشش گنبدی برخی فضاهای معماری با قاعده مربع از دوره ساسانی رایج شد و پس از آن نیز در بناهای دوران اسلامی تداوم و تکامل یافت و در نهایت جنبه نمادین به خود گرفت. پوشش گنبدی از آغاز با تغییر و تحولاتی همراه بود. گنبد معمولاً از قاعده دایره برخوردار است و استقرار آن بر فراز بناهای مکعب شکل مستلزم اقداماتی است که مهم‌ترین آن، تبدیل قاعده بنا از مربع به هشت ضلعی، شانزده ضلعی و در نهایت دایره است. این اقدام احتمالاً نخستین بار در قرن سوم میلادی در بنای «بازۀ هور» با گذاشتن الوارهای چوبی در گوشه‌ها و پس از آن در دوران اردشیر اول در آتشکده نیاسر کاشان با استفاده از سه‌کنج یا فیلگوش صورت گرفته است (آندره گدار و دیگران ۱۳۶۵، ج ۱: ۵۹ و ۶۰؛ آندره گدار، ۱۳۶۹: ۸ تا ۱۱). بناهایی که به این شیوه‌ها در دوران ساسانی گنبددار می‌شده، دارای پلان مربع بوده‌اند اما در دوران اسلامی علاوه بر تالار مربع، گنبد را بر فراز بناهایی با قاعده مدور، پنج‌ضلعی، هشت‌ضلعی، ده‌ضلعی، دوازده‌ضلعی و حتی مستطیل بنا می‌کردند. استقرار گنبد بر بسترهای متفاوت الزامات معماری خاصی را طلب می‌کرد.

در اینجا تأکید ما بر مرحله‌ای است که گنبد ساسانی به گنبد بر فراز بناهای دوران اسلامی ادامه یافته است. در دوره اسلامی نیز گنبد به کمک فیلپوش‌ها، فضاهای مکعب شکل را می‌پوشاند اما ساقه‌ای که قاعده دایره‌ای شکل گنبد بر روی آن مستقر گشته، کامل‌تر شده است. نخستین گنبدهای بازمانده از دوران اسلامی مانند گنبد مقبره شاه اسماعیل سامانی در بخارا و گنبد ساخته شده بر روی بنای چهارطاقی سنگ‌بست (مقبره ارسلان جاذب) بر روی ساقه‌ای هشت‌ضلعی ساخته شده، ساقه‌ای که در نمای درونی دربرگیرنده گوشواره‌ها و درگاه‌ها و برخوردار از تزئینات آجری است. در بناهای دوران اسلامی از طاق‌های آجری برای

ایجاد سه‌کنج و درگاهی استفاده می‌کردند و در همان فضای داخلی سه‌کنج، بهترین تزئینات تالارهای گنبددار را تجلی می‌دادند (آندره گدار، ۱۳۶۹: ۹۰ و ۹۱). در دوران سلجوقی فضاها وسیع‌تر و سقف‌ها بلندتر و در نتیجه جرزها ضخیم‌تر شدند و طرح‌های چندضلعی در مقیاس بزرگ نیز رواج یافتند؛ مانند اطاق هشت‌ضلعی مسجد نطنز (هوف، ۱۳۷۶: ۴۱۲). در این دوران دیواره‌های داخلی تالار گنبددار با ایجاد فیلگوش‌ها، درگاهی‌ها، طاقچه‌ها، طاق‌نماها و قاب‌ها زینت می‌یافتند و با شکوه جلوه‌گر می‌شدند و ساقه گنبد را در بیرون با نمای هشت‌ضلعی بر فراز قاعده مربع یا چندضلعی گنبد نسبتاً کوتاهی استقرار می‌دادند. در این مرحله گنبد بر فراز شبکه‌ای از قوس‌های سبک که طاق‌نماها و درگاهی‌ها و فیلگوش‌ها را تشکیل می‌دادند، استقرار می‌یافت (آندره گدار، ۱۳۶۹: ۱۰۳ و ۱۰۴). آن بناها بیشتر درون‌گرا بودند و عمده تزئینات، رویه دیواره‌های داخلی را زینت می‌دادند تا جایی که برخی از آنها در نمای خارجی همانند توده‌ای از گل مشاهده می‌شوند، مانند مسجد گنبد سنگان خواف و آرامگاه محمدبن زید در مرو. یورش مغول‌ها در اوایل قرن هفتم هجری قمری موجب افول و تنزل هنر از جمله معماری شد، با این وجود از اوایل قرن هشتم هجری قمری ساخت گنبد منفرد با همان سبک و سیاق پیشین ادامه یافت و علاوه بر آن دو نوع گنبد «دو جداره» و «گنبد داخلی» که زیر سقف مخروطی پنهان بود نیز ساخته می‌شد (ویلبر، ۱۳۶۵: ۶۷).

گنبدهای منفرد بر فراز اطاق‌های مکعب شکل یا هشت‌ضلعی که هشت‌ضلعی پایه آنها بتواند در بالا به شانزده‌ضلعی و در نهایت دایره تبدیل شود و گنبد را به دوش بکشد، شکل گرفت. این امر مستلزم پیش‌روی تدریجی پایه گنبد و کم کردن ضخامت گنبد از پایین به بالا بود. تا اوایل قرن هشتم هجری نمای بیرونی گنبدها آجری و ساده بودند و برای اولین بار رویه گنبد سلطانیه در سال ۷۱۳ق. با قطعاتی از آجر با لعاب نیلی‌رنگ تزیین شد (ویلبر، همان: ۶۷ و ۶۸). در گنبدهای دوره ایلخانی در معماری عظمت و شکوه مورد توجه واقع شد و در این جهت سیستم گنبد دوپوشش آغاز شد که در دوره تیموری نیز ادامه یافت. گنبد دوپوشش علاوه بر حفاظت پوشش زیرین و تزئینات معماری زیر سقف، جنبه نمادین و سمبلیک و زیبایی نیز داشت. در حوزه مدیترانه گنبدهای

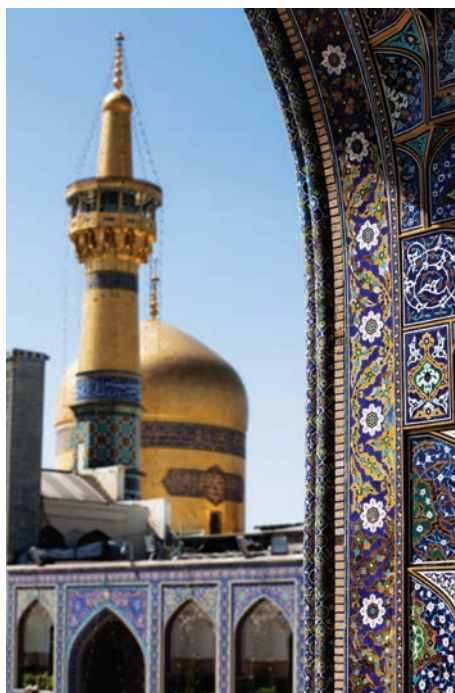
سال‌های ۸۰۱ تا ۸۰۶ ق. نیز مسجد «بی‌بی شینم» در سمرقند به همان شیوه ساخته شد (آندره گدار، ۱۳۶۹: ۱۲۷ و ۱۲۸).

امیر تیمور پس از مرگ در سال ۸۰۸ ق. در بنایی با گنبد بلند دفن شد که امروزه به «گور تیمور» معروف است. این بنا پیش از سال ۸۰۴ ق. به عنوان مدرسه ساخته شده و وقتی «محمدسلطان» نوه تیمور در سال ۸۰۶ درگذشت او را در آنجا دفن کردند و «الغییک» بعد از فوت تیمور آن را به صورت آرامگاه سلطنتی درآورد. گور تیمور که مدفن پسرش شاهرخ نیز شد، کاری مطلوب در سمرقند و نماد خلاقیت و توانایی معماران عصر تیموریان بود که عمدتاً ایرانی بودند. در ایران شرقی هم ساخت گنبد‌های بلند تقریباً در همان زمان آغاز شد. در سال ۸۲۱ ق. مسجد گوهرشاد احداث گردید، در این مسجد گریو گنبد بر روی یک پایه مکعب‌شکل استقرار یافت و در سال ۸۴۳ ق. گنبد‌های مدرسه دودر و مدرسه پریزاد، در نزدیکی مسجد گوهرشاد، با ساقه بلند ساخته شدند. در سال ۸۵۵ ق. برای امیرشاه‌ملک مقبره‌ای ساختند که بعدها به مسجد تبدیل و «مسجد شاه» نامیده شد و در همان دوران گنبدی ساقه بلند مدرسه فیروزشاهی در مجاورت آرامگاه شیخ احمد جام را پوشش داد (آندره گدار، همان: ۱۲۷ تا ۱۲۹؛ شیلابلر، ۱۳۸۱: ۹۷ و ۹۶).

در عصر صفوی گریوهای بلند و گنبد‌های دوپوشش در ایران عمومیت یافت و گنبد‌ها پيازی شکل شدند (آندره گدار، همان: ۱۳۱) گنبد‌های گریودار یا ساقه‌بلند در دوره قاجار نیز تداوم یافت البته در ابعاد کوچک‌تر.

مراحل تکوینی گنبد مطهر

بنای اولیه مدفن امام رضا (ع) به ده سال پیش از شهادت ایشان برمی‌گردد و آن قبه‌ای بود که به دستور مأمون عباسی جهت دفن پدرش هارون در سال ۱۹۳ ق. ساخته شد (مولوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳؛ سیدی، ۱۳۷۸: ۱۳؛ امام ۱۳۴۸: ۱۱۷؛ لباف خانیکی ۱۳۷۸: ۳۴؛ عطاردی، ۱۳۷۱: ۵۸ تا ۶۰) اگرچه برخی هم احداث آن بنا را به یک‌هزار و صدسال پیش از شهادت امام رضا (ع) و به استناد حدیثی از «جابر بن عبدالله انصاری» و «شیخ صدوق» به اسکندر مقدونی نسبت داده‌اند (موسوی مغانی، ۱۳۴۱: ۴۳؛ مؤمن ۱۳۵۵: ۳۸؛ کواپانیان ۱۳۵۴: به نقل از منتخب التواریخ) که البته مقرون به واقع



بلند را بر بالای ساختمان‌های عظیم می‌ساختند که با جنبه تقدس بنا ارتباط می‌یافت و چنین کارکردی برای گنبد از قرون اولیه اسلام در ایران هم رایج بود. ملاحظات زیبایی موجب اهمیت دادن به ارتفاع گنبد و هویداشدن آن گردید. در دوران ایلخانی بلندی را ارتفاع پوشش گنبد تأمین می‌کرد که این امر عدم تناسب ارتفاع سقف با ابعاد فضای داخلی بنا را در پی داشت (ویلبر، همان: ۷۰).

تا اواخر قرن هشتم هجری قمری ساختار بنا از درون و بیرون قابل رؤیت یا به تعبیری برهنه و عریان بود اما از اوایل دوران تیموری معماران ایرانی بر فراز پایه‌های مربع یا هشت‌ضلعی گنبد، ساقه‌ای استوانه‌ای معروف به «گردو» تدارک دیدند و بر فراز آن گنبد دیگری برافراشتند. با این کار چند مقصود حاصل شد: اولاً گنبد‌ها بلند و در بافت معماری پیرامون پدیدار و نمادین شد؛ ثانیاً گریو و گنبد فوقانی معایب ساختمان را پوشاند؛ ثالثاً بدنه گریو و گنبد فوقانی بستر تزئینات مفصل و دلخواه شد (آندره گدار، ۱۳۶۹: ۱۱۲ و ۱۱۳؛ ویلبر، همان: ۷۱؛ هوف، همان: ۴۱۳).

مقابر «شاه زنده» نزدیک سمرقند مثل آرامگاه «بی‌بی زینب» و «شیرین سیکا» که در سال ۷۸۷ ق. ساخته شدند جزو اولین بناهایی بودند که گنبد دوپوشش و گریو بلند داشتند و بعد از آن بین

بیهقی یکبار در پایان عهد سامانیان و بار دیگر در زمان سلطنت مسعود غزنوی (۴۳۲-۴۲۱ق.) حرم امام رضا(ع) توسط «بوبکر شهمرد» و «سوربن معتز» تجدید بنا یا آباد شده (سیدی ۱۳۷۸: ۱۸؛ سیدی، ۱۳۹۴: ۱۲۸ و ۱۲۹؛ بیهقی ۱۳۵۶: ۵۳۱ و ۵۳۲؛ بیهقی ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۰۶؛ قصابیان، همان: ۱۱۹ تا ۱۲۱) و راوندی به وضوح ساخت قبه «رضا رضی الله عنه» را به سوری بن معتز نسبت داده است (راوندی، ۱۳۳۳: ۹۴).

آن بنا چه در زمان سامانیان و چه در دوران غزنویان تکمیل یا ساخته شده باشد، در ساخت آن از شیوه معماری آرامگاه امیر اسماعیل سامانی (ساخت ۳۳۲ق.) در بخارا و آرامگاه ارسلان جاذب (ساخت حدود ۴۰۰ق.) استفاده شده است (رک: مولوی و دیگران: ۳۴). آن گونه بناها آغازگر بناهای تدفینی در ایران دوران اسلامی محسوب می‌شوند، نظیر بنای سنگ‌بست که نمای سه‌بخشی از داخل و خارج دارند و نمای داخلی سهم بیشتری از تزئینات را دارد. مثل آجرکاری‌های زیبا و خفته‌راسته زیر گنبدها در حالی که نمای بیرونی بدنه و پایه گنبد سنگ‌بست ساده و بی‌آرایش است (هیلن برن، ۱۳۸۰: ۲۹۰؛ پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۷۳). آن بنا در ادامه ساخت چهارطاقی‌های دوران ساسانی ساخته شد و تفاوت آن با چهارطاقی‌های ساسانی در کاربرد مصالح و استفاده از کتیبه و تزئینات آجری است. گنبد بنا نسبتاً کوتاه و دوپوسته بوده و

نیست، آن بنای اولیه که به دستور مأمون ساخته شده و به «هارونیه» شهرت داشته است، فضایی با پهنه تقریباً مربع بوده و گور خلیفه در مرکز آن قرار داشته است. دیوار بنا چینه و پهنای دیوار بیش از دو متر ضخامت داشته و سقف آن متناسب با شیوه معماری آن روزگار ضربی عرق‌چینی و فاقد گنبد بلند بوده است (مولوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۱، ج ۲: ۳۲۸) در سال ۲۰۳ق. در پی شهادت امام علی بن موسی الرضا(ع) مأمون دستور داد تا آن حضرت را در مجاورت قبر هارون به خاک سپارند (طبری، ۱۳۵۲، ج ۱۳: ۵۶۷۵). برخی نیز معتقدند که حضرت را در تالار بزرگ کاخ «حمیدبن قحطبه» در سناباد به خاک سپردند (امام، همان: ۴۰۴) و حضرت رضا(ع) نیز در قبه‌ای که هارون در آن مدفون بود، در کنار قبر هارون به خاک سپرده شد (شیخ صدوق، ۱۳۷۱: ۳۵ و ۳۴). هارونیه که در بخش مرکزی کاخ حمیدبن قحطبه قرار داشت تالار بزرگ و مرتفعی بود که گنبدی بر فراز آن قرار داشت. این تالار و گنبد تاکنون پابرجاست (عالم‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۱)، این فرضیه مقرون به صحت نیست زیرا منطقی به نظر نمی‌رسد که در درون تالار یا حتی درون مجموعه کاخ حمیدبن قحطبه، هارون دفن شده باشد بلکه عقل سلیم حکم می‌کند که دفن جسد هارون در مجاورت کاخ و احتمالاً در درون حصار پیرامون کاخ صورت گرفته و مقبره‌ای معروف به هارونیه در آنجا ساخته شده باشد.

گنبد اولیه

از کم و کیف دقیق بنای اولیه یا هارونیه اطلاعی در دست نیست، اما با توجه به نحوه قرارگیری مدفن مطهر امام می‌توان فرض کرد که محدوده بنای اولیه صرف نظر از دخل و تصرف‌های اخیر، همان محدوده کنونی روضه منوره بوده است. بنا به نوشته اکثر مورخان و پژوهشگران (ظاهراً به نقل از ابن اثیر) «ناصرالدوله سبکتکین» که بین سال‌های ۳۶۶ تا ۳۸۷ق. حکومت داشته حرم مطهر امام را که به «مشهد» مشهور بوده، تخریب کرده و تنها اندکی بیش از دو متر از دیوارهای آن باقی مانده است (مولوی و دیگران، همان: ۳۳؛ اعتمادالسلطنه، همان: ۳۳۸؛ موسوی مغانی، همان: ۴۳). با اینکه برخی به دلایلی درباره این خبر تردید دارند (سیدی، ۱۳۸۷: ۱۸) اما این واقعیت انکارناپذیر است که به گزارش



فضای درونی حرم مطهر در دو مرحله بوده که با نازک کردن دیوارها در چهارسو جمعاً ۵۴ مترمربع بر وسعت فضای داخلی افزوده شده است (روابط عمومی ۱۳۶۴: ۳۹ و ۴۰). این امر بسیار فنی و مدبرانه صورت گرفته و استحکام بنا و استقرار سقف و گنبد با تعبیه طاق‌های باربر بر شانه‌های گوشه‌ها تأمین شده است. به هر روی شباهت بنای اولیه حرم مطهر با مقبره ارسلان جاذب آنقدر زیاد بوده که برخی حتی تصور کرده‌اند معمار هر دو بنا یک نفر بوده است (دیشیدی، ۱۳۶۶: ۴۵).

ظاهراً حرم مطهر با همان هیئت و ساختار دوران غزنویان به همراه مسجد بالاسر یا مقبره ابوالحسن عراقی در دوره سلجوقیان نیز وجود داشته و دخل و تصرف‌های اندک احتمالاً منحصر به مرمت‌ها و تزئینات معماری بوده است. اینکه برخی نوشته‌اند که حرم مطهر در یورش مغول‌ها ویران گردیده و در سال ۷۰۰ ق. «غازان‌خان» یا بعد از او «سلطان محمد اولجاتیو» گنبد بلندی بر فراز آن برآورده‌اند (دیشیدی، همان: ۴۶؛ اعتماد السلطنه، همان: ۳۴۰ و ۳۴۱؛ مؤمن، همان: ۶۱) تا دوره تیموری (حدود سال ۸۲۱ ق.) تغییر عمده و ساختاری نکرده، زیرا نه تنها مغول‌ها به مشهد هجوم نیاورده بلکه چنگیزخان لشکریانش را از تهاجم به مشهد برحذر داشته و مشهد را «دارالامان» قرار داده (خنجی، ۱۳۸۱: ۳۴۹) و اصولاً حرم مطهر آسیبی ندیده و لزومی به بازسازی نداشته است. این بطوطه هم که در اواسط قرن هشتم هجری قمری از رونق حرم مطهر تعریف کرده (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۴۱) به همان دلیل بوده که احتمالاً حاکمان مغول مردم نسبت به تزئینات و آراستگی حرم مطهر رویکرد مثبت داشته‌اند.

با روی کار آمدن شاهرخ تیموری و انتقال پایتخت به هرات دامنه تغییرات در نوع خاصی از معماری که در سمرقند آغاز شده بود به مشهد و نواحی شرقی خراسان نیز رسید. در این مرحله معماران عصر تیموری بر بدنه بیرونی بناها پوشش تزئینی کشیدند که با بدنه اصلی آجری بناها تفاوت داشت و روی آن را می‌پوشاند و گنبدهای بلند بر فراز ساقه‌ای استوانه‌ای هم علاوه بر پوشش گنبدهای زیرین، شکوه و زیبایی خاصی به بناها به‌خصوص بناهای آرامگاهی می‌دادند.

در کمرپوش یا پایه گنبد بر بالای هر ورودی یک روزن به بلندی ۲/۸۳ متر ساخته شده است.

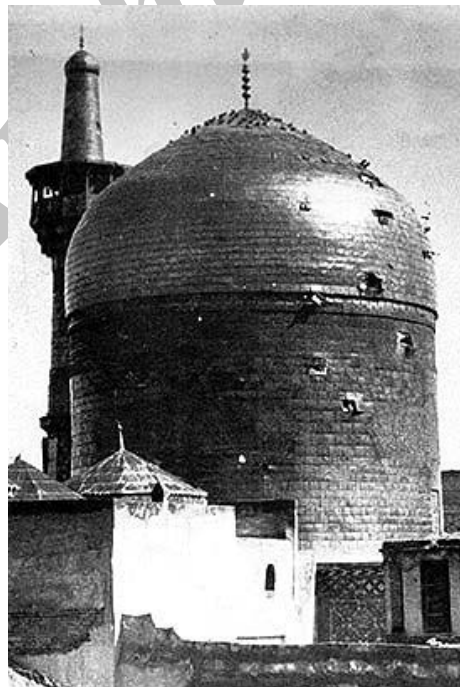
استاد پیرنیا گور امیراسماعیل سامانی و مقبره ارسلان جاذب را از بناهای اواخر شیوه خراسانی دانسته که به سبک رازی نزدیک و از مشخصات آن برخوردار شده است (پیرنیا، همان: ۱۶۲ تا ۱۷۳). برخی هسته اولیه حرم مطهر را همانند آرامگاه ارسلان جاذب دانسته و آن شباهت را شادروان علی‌اکبر فیاض این‌گونه بیان کرده است: «هر دو بنا تقریباً در یک برهه از زمان ساخته شده و می‌توانند مفسر یکدیگر باشند، در نتیجه قیافه اصلی یا تقریباً هندسه اولیه آستانه رضوی که به علت تغییرات و تعمیرات از دیده‌ها مخفی شده با توجه به بقعه ارسلان جاذب می‌تواند معلوم شود» (سیدی، ۱۳۷۸: همان: ۱۹، به نقل از فیاض).

نزدیکی و مشابهت ابعاد و اندازه‌های روضه منوره و فضای درونی آرامگاه ارسلان جاذب این فرضیه را به حقیقت نزدیک می‌کند که بنای حرم مطهر که در دوران غزنویان تجدید بنا شده همانند و به شیوه آن بوده است. از جمله ابعاد حرم مطهر در داخل بنا $۱۰/۴۰ \times ۱۰/۹۰$ متر و ابعاد مقبره ارسلان جاذب $۱۰/۲۰ \times ۱۰/۳۳$ متر است. ارتفاع فضای داخلی حرم مطهر از کف تا انتهای سقف ۱۸/۸ متر و ارتفاع فضای داخلی مقبره ارسلان جاذب ۱۶/۹۰ متر است که اختلاف ارقام ممکن است به دلیل کف‌سازی مجدد مقبره ارسلان جاذب باشد. ضخامت دیوارهای مقبره ارسلان جاذب حدود ۲/۵ متر و ضخامت اولیه حرم مطهر نیز در همان حدود بوده است. البته ضخامت کنونی دیوارها در انتهای ایوانچه‌های چهارگانه کنونی روضه منوره کمتر است و دلیل این امر عملیات وسعت‌بخشی



سازه کتونی گنبد مطهر

بر ساقه گنبد نصب گردیده، در سال ۱۰۱۶ ق. زرگر هنرمند آستانه، «کمال‌الدین محمود یزدی» طلاکاری را به اتمام رسانیده است (نعمتی، همان: ۸؛ مولوی و دیگران، همان: ۳۹؛ کاویانیان، همان: ۵۷) در سال ۱۰۸۴ ق. بر اثر زلزله گنبد مطهر شکست برداشت و دو سال بعد مرمت شد. این واقعه هم در کتیبه‌ای بر ساقه گنبد نصب شده است (نعمتی، همان: ۹).
ظاهراً از دوره شاه سلیمان صفوی تا سال ۱۳۳۰ ق. تغییر عمده‌ای در گنبد مطهر صورت نگرفته است. در آن سال قزاق‌های روسی حامی محمدعلی‌شاه قاجار و مخالف مشروطه‌خواهان وارد مشهد شدند و حرم مطهر، محل تجمع مردم، را بمباران کردند و پنجره‌های گنبد طلا را شکستند و بسیاری از خشت‌های طلای روی گنبد را خراب کردند و با گلوله توپ هجده نقطه گنبد را هدف گرفتند و بدنه گنبد را سوراخ سوراخ کردند. بر اثر آن تهاجم که به «آشوب آخرالزمان» و «عاشورای ثانی» مشهور شد، خسارات فراوانی به گنبد مطهر وارد آمد. چند ماه پس از آن واقعه مرمت گنبد آغاز شد و چند سال طول کشید. در کتیبه‌ای که اشاره به اقدامات «نیرالدوله» دارد، به تذهیب مجدد گنبد اشاره شده که باید به منظور مرمت و تجدید و ترمیم صفحات طلاکاری شده باشد (کاویانیان، همان: ۸۲ تا ۸۸؛ نعمتی، همان: ۱۰ و ۱۱).



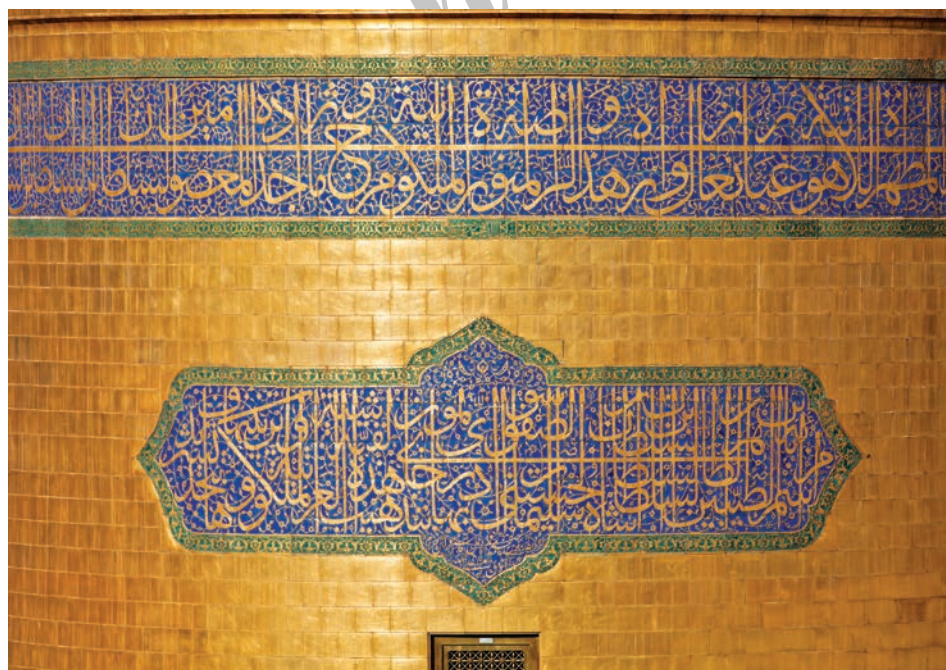
طی سال‌های ۸۱۷ تا ۸۲۱ ق. و دوران حاکمیت بایسنغرمیرزا بر مشهد، از سوی شاهرخ تیموری که مسجد گوهرشاد و رواق‌های دارالسیاده و دارالحفاظ ساخته شد (کلمبک ۱۳۷۴: ۴۶۲-۴۵۹؛ سیدی ۱۳۸۶: ۵۱-۴۲) و گنبد مسجد گوهرشاد به ارتفاع ۳۹/۶۸ متر، مناره‌های مسجد با ارتفاع ۳۹/۵۰ متر، ایوان قبله مسجد با ارتفاع ۲۷ متر و گنبد دارالسیاده با ارتفاع ۲۳ متر در مجاورت بقعه امام (ع) قد کشیدند، گنبد آجری بقعه مطهر با ارتفاع کمتر از ۱۹ متر در کنار آنها از نمود افتاده و احتمالاً استاد قوام‌الدین شیرازی جهت نمودارکردن حرم مطهر که نقطه عطف مجموعه معماری آستان قدس رضوی محسوب می‌شده، تدبیری اندیشیده است.

او با برآوردن ساقه‌ای بلند و متناسب با حجم بنا بر شانه قاعده مربع بنای عصر غزنوی، گنبدی به ارتفاع ۳۱/۲۰ متر بر روی ساقه استقرار داد. این امر با اجرای ستون‌های پشتیبان آجری پلکانی معروف به خشخاشی، در فضای داخلی گنبد و بر فراز قاعده هشت‌ضلعی پایه گنبد عصر غزنوی و حد فاصل پوشش قدیم و جدید امکان‌پذیر شده است. نمودارشدن گنبدی که با کاشی‌های مزین و مشخص بوده، راه را برای آینده باز کرده تا در کنار ایوان‌های صحن عتیق او، گنبد‌های مدرسه پریزاد و مدرسه دو در و آرامگاه شیخ بهایی و گنبد الله‌وردی‌خان و... نیز بدرخشد.

ساختمان‌سازی در مجموعه حرم مطهر تا اواخر دوره تیموری ادامه داشته و با ساخت و سازهای دوران صفویه تداوم یافته است (مولوی و دیگران، همان: ۳۸) تا دوران شاهطهماسب صفوی (حکومت ۹۳۰ تا ۹۸۴ ق.). رویه گنبد با کاشی سبزرنگی پوشیده بود (نعمتی ۱۳۹۱: ۵ به نقل از امینی) در سال ۹۴۰ ق. شاهطهماسب در جهت ادای نذری که داشت، با صرف ۶۳ من (۱۸۱ کیلوگرم) طلا، گنبد را طلاکاری کرد و ۱۷ من (۵۱ کیلوگرم) طلا هم صرف ساختن میل گنبد کرد. طلاکاری گنبد با استفاده از صفحات مس روکش‌شده با ورقه‌های نازک طلا، نوآوری‌ای بود که تا آن زمان در دنیای اسلام نظیر نداشت (نعمتی، همان: ۷ تا ۵؛ کاویانیان، همان: ۵۷) در سال ۱۰۱۰ ق. نیز شاه‌عباس اول صفوی که پیاده از اصفهان به مشهد آمده بود، دستور داد تا ساقه گنبد را طلاکاری نمایند. بر اساس کتیبه‌ای که به خط «علیرضا عباسی»

در اوایل دهه ۱۳۵۰ خ. تصمیم گرفته شد تا نمای گنبد نوسازی شود و کار نوسازی را کارگران پاکستانی انجام دهند، پس از فراهم شدن مقدمات در خردادماه ۱۳۵۷ خ. تعمیر و بازسازی گنبد آغاز شد. چون کارگران پاکستانی به خوبی از عهده کار برنیامدند، پیمانکاری نوسازی گنبد را به «جعفر نوروزخان»، آبنکار تهرانی واگذار کردند. او جهت انجام کار تمامی خشت‌های طلا را شماره‌گذاری و از گنبد جدا کرد و پس از زیرسازی با بتن و میلگرد به قطر ۲۰ سانتی‌متر بر روی پوشش

آجری، خشت‌های زرانود و کلاف‌شده‌دریکدیگر را بر بدنه گنبد نصب کرد. نصب قطعات مسی طلاکاری‌شده بر روی گنبد در خردادماه ۱۳۵۹ خ. به اتمام رسید (نعمتی، همان: ۱۱). اگر چه برج‌ها و هتل‌هایی که به فاصله کمی از حرم مطهر و مشرف بر آن ساخته شده منظره زیبای گنبد طلا را مخدوش کرده، هنوز گنبد درخشان حرم مطهر چشم‌نواز و آرام‌بخش دل‌های شیفته زایران است.



- منابع**
- ابن بطوطه (۱۳۶۱) سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: علمی و فرهنگی.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۲) مطلع الشمس، ج ۱ و ۲ با مقدمه و اهتمام تیمور برهان لیمودهی، تهران: فرهنگسرا.
- امام، سیدمحمدکاظم (۱۳۴۸) مشهد، طوس، مشهد: کتابخانه ملی ملک.
- بلر، شیلا و جانانان بلوم (۱۳۸۱) هنر و معماری اسلامی، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران: سمت.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۸) تاریخ بیهقی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات: دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران: سخن.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۰) «گنبد در معماری ایران»، فصلنامه مدثیر، ش ۲۰، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- خنجی، فضل الله (۱۳۸۴) مهمان نامه بخارا، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی.
- دیشیدی، رضا (۱۳۶۵) «همراه با زیارت آستان قدس رضوی»، فصلنامه هنر، ش ۱۳.
- راوندی، محمدبن علی (۱۳۳۳) راحة الصدور و آية السور، به سعی و اهتمام محمد اقبال، تهران: امیرکبیر.
- سیدی، مهدی (۱۳۸۶) مسجد و موقوفات گوهرشاد، تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف.
- سیدی، مهدی (۱۳۸۷) تاریخ شهر مشهد، تهران: جامی.
- سیدی، مهدی (۱۳۹۴) «حضرت رضا و حرم و موقوفات اولیه آن به روایت ابوالفضل بیهقی»، فصلنامه پاژ، دوره جدید پیاپی ۱۷، س ۴، ش ۱.
- شولتز، برتولد (۱۳۶۹) تاریخ ایران در قرون نخستین اسلام، ج ۱، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: علمی و فرهنگی.
- شیخ صدوق، ابی جعفر محمدبن علی بن الحسین قمی (۱۳۷۲) عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۴) تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۳، تهران: اساطیر.
- عالم زاده، بزرگ (۱۳۹۰) دانشنامه رضوی، تهران: شاهد.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۱) تاریخ آستان قدس رضوی، ج ۱، تهران: عطارد.
- قصابیان، محمدرضا (۱۳۷۷) تاریخ مشهد، مشهد: انصار.
- کاویانیان، احتشام (۱۳۵۴) شمس الشموس، مشهد: آستان قدس رضوی.
- کلمبک، لیزا و دونالد ویلبر (۱۳۷۴) معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گدار، آندره و گیلداگدار و ماکسیم سیرو (۱۳۶۵) آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ج ۲، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- گدار، آندره (۱۳۶۹) طاق های ایرانی، ترجمه کرامت الله افسر، تهران: فرهنگسرا.
- لباف خانیکی، رجبعلی (۱۳۷۸) سیمای میراث فرهنگی خراسان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- موسوی مغانی، حسین (۱۳۴۱) تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مولوی عبدالحمید، محمدتقی مصطفوی، ابراهیم شکورزاده (۱۳۸۸) «سیر تحول معماری و توسعه آستان قدس رضوی»، ترجمه رجبعلی یحیایی، وقف میراث جاویدان، س ۱۷، ش ۶۵.
- مؤتمن، علی (۱۳۵۵) تاریخ آستان قدس، مشهد: آستان قدس رضوی.
- نعمتی، بهزاد (۱۳۹۱) «طلاکاری گنبد حرم امام رضا (ع)»، فصلنامه آستانه هنر، ش ۳ و ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ویلبر، دونالد (۱۳۶۵) معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریاد، تهران: علمی و فرهنگی.
- هوف، دیتیش (۱۳۷۶) «گنبدها در معماری اسلامی» ترجمه کرامت الله افسر و محمدیوسف کیانی معماری، تهران: سمت.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۹۵) معماری ایران (دوره اسلامی)، تهران: سمت.
- هیلن برند، روبرت (۱۳۸۰) معماری اسلامی، ترجمه دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: روزنه.